

دادگاه عدل اسلامی؛ ظرفیت بالقوه نظارت بر حسن انجام تعهدات ارکان و اسناد حقوق بشری سازمان همکاری اسلامی

مرمر اسدیان، سیدباسم موالی زاده، سیدحسن حسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

چکیده

هدف از این پژوهش، آشنایی با ارکان و اسناد حقوق بشری سازمان همکاری اسلامی و فقدان حضور دادگاه عدل اسلامی در بخش نظارتی اجرای تصمیمات حقوق بشری این ارکان و اسناد می‌باشد. تعصب و ناآگاهی نسبت به احکام اسلام، احکام شریعت اسلام و تاریخ اسلام نویسندگان غربی را تا همین اواخر به این نتیجه رسانده بود که احترام به شخص انسان، محصول تفکر غربی است. اما اسلام مانند سایر ادیان در این احترام به انسان و دفاع از حقوق او سهم خود را داراست. از سویی سازمان‌های بین‌المللی دولتی و بین‌المللی غیردولتی نیز به نوبه خود در ارتقای حقوق بشر مشارکت داشته‌اند. از جمله سازمان‌های اخیر، سازمان کنفرانس اسلامی از این پس (OIC) می‌باشد. سازمان کنفرانس اسلامی بعنوان دومین سازمان بین‌دولتی بین‌المللی بعد از سازمان ملل متحد با ۵۷ کشور عضو در چهار قاره جهان با تکیه بر هویت و تمدن اسلامی، یک نیروی سیاسی-مذهبی غیر قابل اغماض در صحنه بین‌المللی است، که امروزه می‌تواند نقش قابل توجهی در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی ایفا کند و این مهم را با تاسیس دادگاه عدل اسلامی به منصفه ظهور گذاشته است. صلح و امنیت جهانی که منشور OIC به دنبال تحکیم آن است، مبتنی بر «عدالت» است. این عدالت پیش از هر چیز در اصول و دستورات اسلام است. در این تحقیق که به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد، ما با بررسی منشور سازمان همکاری اسلامی و ارائه اعلامیه‌های مختلف حقوق بشر در اسلام، اقدامات سازمان همکاری اسلامی در زمینه ارتقای حقوق بشر را تحلیل کرده و عدم توجه به جایگذاری قوانین مرتبط با حقوق بشر در اساسنامه دادگاه عدل اسلامی را به چالش می‌کشیم.

کلمات کلیدی: سازمان همکاری اسلامی، دادگاه عدل اسلامی، حقوق بشر، حقوق بشر در اسلام.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) bassem.movalizadeh52@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

مقدمه

امروزه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در راستای مکانیسم‌های حقوق بشری ملل متحد در توسعه حقوق بشر نقش خود را ایفا می‌نمایند. سازمان همکاری اسلامی نیز به عنوان یک نهاد فرامنطقه‌ای در سال‌های اخیر تلاش‌های قابل توجهی در زمینه حقوق بشر و ارتقای آن در دولت اسلامی مبذول داشته است. آغازین اقدامات در این مسیر، نگارش اسناد حقوق بشری به مانند اعلامیه قاهره و معاهده کودک در اسلام بوده و در ادامه از طریق برنامه ده ساله اقدام سازمان، اصلاح اساسنامه سازمان، اعلامیه قاهره، تاسیس کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر و بهره‌گیری از برخی ابتکارات جهت حمایت از حقوق بشر نشانه‌های نویدبخشی از تمرکز بر مسأله حقوق بشر را جلوه‌گر نموده است. حقوق بشر در سال‌های نخست در الویت‌های سازمان همکاری اسلامی جایگاهی نداشت. در اعلامیه سران اسلامی رباط و اساسنامه سابق اشارات مختصری به حقوق بشر صورت گرفته و تنها در بخش پایانی اعلامیه رباط ۱۹۶۹، به منشور ملل متحد و حقوق بشر بنیادین گریزی زده شد. (اعلامیه سران اسلامی رباط، ۱۹۶۹). سازمان همکاری اسلامی به دلیل سوابق نامطلوب کشورهای اسلامی نتوانسته بود تا سال‌های طولانی تحولی در حقوق بشر ایجاد نماید (Peterson, 2012: 14) و از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی درصدد برآمد تا با تصویب اعلامیه حقوق بشر در اسلام (اعلامیه قاهره)، گفتمان حقوق بشری خود را در توازی با نظام بین‌الملل حقوق بشر ایجاد کند. با تصویب اعلامیه قاهره در سال ۱۹۹۰ جدال بین دولت‌های غربی و کشورهای اسلامی بر سر تعارض مفاد آن با معیارهای حقوق بشر آغاز شد (مظفری، ۱۴۰۰: ۱). سازمان همکاری اسلامی تا سال ۲۰۰۵ معیارهای حقوق بشری بین‌المللی را مردود شمرده و در جستجوی الگوهای جایگزین منطبق با آموزه‌های دینی و ارزش‌های فرهنگی اسلامی می‌بود و در نهایت راه‌حل منطقی رودرویی با حقوق بشر غربی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را ارائه منشور جامع حقوق بشری با تکیه بر حقوق اسلامی دانست، اما در برنامه اقدام ۲۰۰۵ از گفتمان توازی دست کشید و زمینه را برای بازنگری در اعلامیه قاهره فراهم نمود و در سال ۲۰۲۰ «اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی (اعلامیه جدید)» به تصویب رسید. بر این اساس اعلامیه قاهره که آمیخته‌ای از اسلام و حقوق بشر بود مفهوم جدیدی از حقوق بشر ارائه داد، که بر ارزش‌های اسلامی تکیه دارد (موسوی اصل، ۱۳۹۹: ۲۵۳). برای سازمان همکاری اسلامی که در سال‌های طولانی بر رویکردی گریزگونه در زمینه حقوق بشر تمرکز داشته و کمتر به وضعیت حقوق بشر در کشورهای اسلامی پرداخته است، رویه اخیر به ویژه کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر در رسیدگی به وضعیت مذکور و واکنش به نقض‌های حقوق بشری در برخی از دولت‌های عضو یک تحول مطلوب نسبت به رویه سابق محسوب می‌گردد. ضرورت انجام این تحقیق آن است که سازمان همکاری اسلامی که با هدف برقراری و حفظ روابط مسالمت‌آمیز و همچنین گسترش و تقویت روابط چندگانه میان کشورهای اسلامی تاسیس شده بود، در جهت نیل به این هدف دادگاه عدل اسلامی (دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی) را به عنوان بازوی قضایی دیوان بنیان نهاده است. دادگاه عدل اسلامی (دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی) رکن چهارم و قضایی اصلی سازمان همکاری اسلامی می‌باشد که براساس مبانی اسلام و منابع و احکام شرعی بنا شده است و به طور مستقل و مطابق مقررات منشور سازمان همکاری اسلامی و اساسنامه

دیوان فعالیت می‌کند (ماده ۱ اساسنامه دادگاه عدل اسلامی) و فقط کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی حق طرح دعوی در دیوان را دارند (بند الف ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه عدل اسلامی). این مورد که تنها کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی را محق به طرح دعوی می‌داند برخلاف مثلاً آنچه در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (اصل ۱ الی ۵۰ منشور حقوق بنیادین شهروندان اتحادیه اروپا از بخش دوم قانون اساسی اروپا (ابراهیم بیگ زاده، ۱۴۰۰: ۲۴-۱۲)) یا دیوان عدالت و حقوق بشر آفریقا (ماده ۴۵ کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم) که افراد هم حق طرح دعوی دارند رخ می‌دهد، خلأی می‌باشد که به عنوان یک محدودیت علاوه بر افراد عام و معمول یک جامعه مسلمان، اقلیت‌های قومی، مذهبی و فرقه‌ایی که توسط دولت‌های خویش مورد اضطراب قرار می‌گیرند را نیز از حق دسترسی به عدالت محروم می‌سازد. نوآوری پژوهش در بیان برخورد دوگانه سازمان همکاری اسلامی با بحث حقوق بشر می‌باشد. در شرایطی که کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر در سازمان همکاری اسلامی شکل گرفته و تاسیس گردیده است، اساسنامه دادگاه عدل اسلامی به عنوان نهاد مداخله‌گر قضایی عاری از هرگونه توجه و تمرکز نسبت به موضوع حقوق بشر ملل کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی بوده و نقض آشکار و پنهان حقوق بنیادین ملل مسلمان را جهت پیگیری قضایی هر چند با طرق حل و فصل مسالمت‌آمیز نادیده گرفته و چشم پوشی می‌نماید.

۱- سازمان همکاری اسلامی

سازمان‌های بین‌المللی به دو دسته‌ی سازمان‌های بین‌المللی دولتی و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تقسیم می‌شوند. هر کدام از این نهادها در زمینه صلح فعالیت‌های بسیار داشته‌اند. سازمان‌های بین‌المللی تاکنون با هر نوع مشکلی که امنیت جهانی را نقض کرده است، مقابله کرده‌اند و راهکارهای متفاوتی ارائه داده‌اند (غفوری، ۱۳۸۸: ۵۳). با این حال، جامعه جهانی در شرایطی دهه دوم قرن بیست و یک را آغاز می‌کند که همچنان با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت همگانی و امنیت انسانی مواجه است. امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری الویت دارد. صلح در نظام حقوقی جهان، اساساً صلح بین‌المللی است که به دلیل انعطاف در مفاهیم و اجزای صلح و ارتباط متقابل جوامع ملی با منافع جامعه بین‌المللی، ممکن است صلح محلی و ملی را نیز در برگیرد (ثقفی عامری، ۱۳۷۶: ۸۱) در اینجا مطرح می‌گردد که صلح بین‌المللی نه صرفاً ناظر بر صلح در روابط بین دولت‌ها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین در روابط بین انسان‌ها نیز هست. سازمان همکاری اسلامی یکی از سازمان‌های بین‌دولتی شاخص بویژه فی‌مابین کشورهای اسلامی می‌باشد که یکی از الویت‌های مهم سازمان همکاری اسلامی، تلاش در جهت رفع تشنج و اختلاف میان کشورهای عضو سازمان بوده است.^۱ این سازمان که با ۵۷ کشور عضو در چهار قاره جهان یکی از سازمان‌های بین‌المللی کنونی جهان به شمار می‌رود، دومین سازمان بین‌دولتی بین‌المللی بعد از سازمان ملل متحد بوده و دارای منشوری می‌باشد که هدف اولیه تشکیل سازمان را تقویت پیوندهای اعتماد و برادری، ارتقای سطح فرهنگی و اقتصادی مسلمانان و

¹ www.oic-oci.org

ایجاد روابط جدید یا تقویت پیوندهای موجود بین آنها می‌داند (اسدیان، ۱۴۰۲: ۱۵). در مقوله مسائل حقوق بشری، در منشور سازمان، در بخش اهداف سازمان همکاری اسلامی نیز که در ماده ۲ گنجانده شده است، علاوه بر حمایت از مردم آزادی خواه فلسطین و تلاش در جهت اعاده حقوق حقه ایشان به طور اخص که در بند پنجم این ماده مقرر گردیده است: (همهانگ کردن تلاش‌ها به منظور حفاظت از اماکن مقدس و آزادسازی و پشتیبانی از مبارزه مردم فلسطین و کمک به این ملت در جهت بازپس‌گیری حقوق (خود) و آزاد نمودن سرزمینشان)؛ در بند ششم ماده ۲ نیز به طور اعم بر پشتیبانی از کرامت، استقلال و حقوق ملی تمام ملل مسلمان جهان تأکید شده است (پشتیبانی از مبارزه تمام ملل اسلامی در راه حفاظت از کرامت، استقلال و حقوق ملی‌شان (بزرگمهری، ۱۳۹۵: ۴)). از سویی دیگر، علی‌رغم عدم آگاهی کامل از شرایط حقوق بشر و اقدامات و امکانات مرتبط با این امر در سازمان همکاری اسلامی، گریز به منشور ملل متحد و حقوق بنیادین بشر در بخش پایانی اعلامیه رباط ۱۹۶۹ و صدور دو اعلامیه قاهره در سال ۱۹۹۰^۱ و پیمان حقوق کودک در سال ۲۰۰۵ آشکار می‌سازد که سازمان اندک‌نگاهی به مقوله حقوق بشر داشته است، هر چند در اعلامیه رباط به شریعت اسلامی بیش از حقوق بشر توجه شده بود و عدم وجود سازوکار و ضمانت اجرایی مناسب جهت حمایت از حقوق بشر توسط دولت‌های عضو سازمان همکاری اسلامی در این اعلامیه، اعتبار و سندیت آن را خدشه‌دار کرده بود و در اعلامیه قاهره نیز به مفهوم حقوق بشر اشاره‌ای نشده بود. گام متفاوت حقوق بشری هم‌زمان با دبیر کلی احسان اوغلو در سازمان همکاری اسلامی آغاز گشت، که برنامه ۱۰ سال اقدام جهت مواجهه با چالش‌های امت اسلامی تنظیم گردید (منشی پوری، ۲۰۱۵: ۵). سال ۲۰۰۸ نیز اساسنامه سازمان به منظور ایجاد بستری برای تاسیس کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ مورد اصلاح قرار گرفت. در اجلاس ۲۰۰۸ تصمیم بر معرفی کمیسیون مذکور به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان همکاری اسلامی مطرح گردید، اما در قطعنامه اخیر تصمیم بر این شد تا تحت لوای دبیر کل سازمان فعالیت خود را آغاز نماید. (Gunn and Lagresa, 2016: 18).

۲-۱۵-۲ دادگاه عدل اسلامی^۲

اعلامیه اولین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در شهر رباط کشور مراکش در سال ۱۹۶۹ تصریح می‌کند که کشورهای شرکت‌کننده تعهد خود را برای حل و فصل مشکلاتی که ممکن است فی‌مابین آنها از طرق مسالمت‌آمیز بدست آید، اعلام می‌دارند (جلالی، ۱۳۸۲: ۶). بر اساس تصمیم 11/3-P طی کنفرانس سوم سران کشورهای اسلامی در سال ۱۹۸۱ در طائف، تاسیس دادگاه اسلامی به عنوان چهارمین رکن سازمان با مسئولیت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین کشورهای عضو در نظر گرفته شد. دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی در ژانویه ۱۹۸۳ گروهی از متخصصین را برای طراحی اساسنامه دیوان

^۱ در تدوین این سند برخی علمی اسلامی از ایران مانند مرحوم استاد محمد تقی جعفری، مرحوم آیت الله عمید زنجانی و آیت الله تسخیری ایفای نقش نموده‌اند. سند مزبور از یک مقدمه کوتاه و ۲۵ ماده تشکیل شده است که ساختاری مشابه اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد با این تفاوت که مرجع تفسیر آن شریعت در نظر گرفته شده است (ماده ۲۵) و در چند ماده نیز مواردی به عنوان حق ذکر شده که در اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود ندارد (ضیایی فر، ۱۳۹۴: ۳).

^۲ Islamic Court of Justice.

بین‌المللی دادگستری تعیین نمود و نسخه نهایی اساسنامه در ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷ مورد موافقت قرار گرفت. در پنجمین اجلاس سران در همان سال که در کویت برگزار گردید، قطعنامه شماره 13/5-P در باب تاسیس دادگاه اسلامی به تصویب رسید. در ماده ۴۹ اساسنامه مقرر شده است که دیوان زمانی تشکیل خواهد شد که حد نصاب لازم مذکور در ماده ۱۱ منشور سازمان همکاری اسلامی، که برای اصلاح منشور ضروری است، اساسنامه را تصویب نمایند، که تاکنون محقق نگردیده است. بر اساس ماده ۱۱، رای اکثریت دو سوم کشورهای عضو برای اصلاح منشور مورد نیاز است. طبق ماده ۱ اساسنامه، دادگاه اسلامی رکن قضایی سازمان کنفرانس اسلامی است و مبتنی بر شریعت اسلامی می‌باشد و در رابطه با ترکیب دادگاه، مطابق بند (الف) ماده ۳ اساسنامه، دیوان اسلامی مرکب از هفت قاضی (شش قاضی علاوه بر رئیس هیت دیوان) که همگی توسط وزرای امور خارجه برای مدت ۴ سال که یکبار قابل تمدید است، انتخاب می‌شوند. در زمینه صلاحیت دادگاه، دیوان اسلامی دارای دو صلاحیت توافقی و مشورتی است. بند (الف) ماده ۲۱ اساسنامه در مورد صلاحیت توافقی مقرر می‌دارد: فقط کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌توانند نزد دادگاه حاضر شوند و ماده ۴۲ اساسنامه صراحتاً اعلام می‌دارد: بر اساس تقاضای هر رکن سازمان کنفرانس اسلامی، به شرطی که آن تقاضا به تایید کنفرانس وزیران خارجه برسد، دیوان دادگستری اسلامی صلاحیت صدور نظریه مشورتی (یا فتوا) را در مورد هر مسأله حقوقی که مرتبط با مسأله‌ایی نباشد که قبلاً نزد دادگاه اسلامی نبوده است، داراست (اسدیان، ۸۹-۱۴۰۲: ۹۲).

۳- حقوق بشر در اسلام

واژه بشر ۳۶ بار به صورت‌های «البشر، بشرا، بشرین» در قرآن ذکر شده است که در تماهی این موارد جسم و هیات مادی و ظاهری انسان مورد توجه می‌باشد (بنت‌الشاطی، ۱۹۹۵: ۱۵). و حقوق بشر همان کرامت بشری است که مراد از آن صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی می‌باشد (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۹). از آن‌جا که دین اسلام دین جامع و خاتم ادیان الهی است، برای تمام شئون زندگی بشر، اعم از زندگی فردی، اجتماعی، و ... برنامه دارد؛ از جمله‌ی آنها مسئله حقوق بشر و چالش‌های مرتبط با آن است. این مسئله با به رسمیت شناختن حقوق انسان و کرامت وی نمایان می‌شود. حق حیات، آزادی عقیده، آزادی بیان، حقوق شهروندان غیر مسلمان، نفی نژادپرستی، آزادی عقیده و فکر، پذیرش حقوق اقلیت‌ها، مشارکت مردم در قانون‌گذاری، نظارت آنان بر حاکمان و ... از مهم‌ترین مباحث حقوق بشر است که مکتب حیات‌بخش اسلام در باره‌ی آنها دیدگاه‌های روشنی دارد. از این نظر مفهوم حقوق بشر همان حداقل حقوقی است که خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی او اعطا کرده است (شهبازی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲). در فقه اسلامی، انسان از مقام والایی برخوردار است. او خلیفه خدا در زمین است که هیچ‌گاه نباید به شرافت و عزت او لطمه‌ایی وارد آید. مشهورترین آیه قرآن که بر کرامت انسان دلالت دارد

¹ اساسنامه دادگاه عدل اسلامی دارای ۵۰ ماده می‌باشد.

آیه ۷۰ سوره اسراء می باشد: ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و کرامت بخشیدیم و آنان را بر خشکی و دریا تسلط دادیم و از پاکیزه‌ها روزی‌شان قرار دادیم و آنان را بر بسیاری از موجودات خود فضیلت و برتری بزرگ بخشیدیم. فقه اسلامی با چنین شناختی دقیق از انسان و بر پایه اصول نظری ویژه، حقوق بشر را تشریح نموده است. مهم‌ترین پیامدهای نظری پیش توحیدی در زمینه حقوق بشر، دو چیز است: یکی احساس وابستگی و نیاز انسان به خدا در اصل وجود و تداوم حیات در همه زمینه‌ها از جمله حقوق بشر؛ دیگری شناسایی حق خدا به عنوان منشأ حقوق بشر است. خداوندی که اراده او خاستگاه تکوین و تشریح است و حق او مقدم بر همه حقوق فردی و اجتماعی بشر است (صالحی، ۱۳۹۱: ۷). تعدادی از ابتکارات که پیش نویس مقررات برای حقوق بشر در اسلام است، شامل:

۱. اعلامیه حقوق بشر و وظایف در اسلام که توسط اتحادیه جهانی مسلمانان در سال ۱۹۷۹ میلادی صادر شد.
 ۲. بیانیه بین‌المللی اسلامی که توسط شورای اسلامی اروپا در لندن در سال ۱۹۸۰ میلادی صادر شد.
 ۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام که توسط خود شورا در لندن در سال ۱۹۸۱ میلادی صادر شد.
 ۴. پیش نویس سند حقوق بشر در اسلام که در ژانویه ۱۹۸۹ میلادی به کنفرانس سران سازمان کنفرانس اسلامی در طائف ارائه شد.
 ۵. پیش نویس اعلامیه حقوق بشر به پنجمین کنفرانس حقوق بشر در تهران در دسامبر ۱۹۸۹ میلادی ارائه شد.
 ۶. اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام ۱۹۹۰ م.
 ۷. اعلامیه رم در مورد حقوق بشر در اسلام صادر شده توسط سمپوزیوم حقوق بشر در اسلام ۲۵-۲۷ فوریه ۲۰۰۰ می‌باشد.
- همچنین در قرآن جلوه‌هایی از حقوق بشر اسلامی بیان شده که عبارتند از:

۱. حق حیات: جان انسان مقدس است و هیچ کس نمی‌تواند از آن تخطی کند و این حرمت سلب نمی‌شود مگر به حکم شرع و تشریفات که آن را تأیید می‌کند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا: خدا آن کسی است که همه‌ی موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید» (سوره بقره، آیه ۲۹)، همچنین «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا: هر کس، کسی را جز به قصاص و قتل، یا کیفر فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی تمام مردم را کشته باشد، و هر کس، کسی را زنده کند؛ چنان است که همه‌ی مردم را زندگی بخشیده است» (سوره مائده، آیه ۳۲) (التاج ابراهیم، ۲۰۱۵: ۱۵).

۲. حق برابری: همه مردم در برابر شریعت مساوی و از نظر ارزش انسانی برابرند: «یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ، وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا، وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنَسَاءً: ای مردم تقوی خدای خود پیش گیرید، آم خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد(سوره نسا، آیه ۱).

۳. حق بر عدالت: هر فردی از نظر شرعی حق دارد قضاوت کند و حق دارد از خود در برابر هر ظلمی که بر او وارد می شود دفاع کند و مصادره حق دفاع از خود به موجب آن جایز نیست: «لقد أرسلنا رسلاً بالبینت و أنزلنا معهم الكتب و المیزان ليقوم الناس بالقسط: ما پیامبران خود را همراه با دلایل متقن، و معجزات روشن (به میان مردم) روانه کردیم و با آنان کتاب‌های (آسمانی و قوانینی) و موازین (شناسایی حق و عدالت) نازل کردیم تا مردمان (برابر آن در میان خود) دادگرانه رفتار کنند»(سوره حدید، آیه ۲۵).

چنانکه ملاحظه شد حقوق بشر در اسلام در درون یک نظام معنایی فرجام‌باور و غایت‌اندیش شکل می‌گیرد که حقیقی یا اعتباری بودن «حق»، طبیعی یا قراردادی بودن آن لطمه‌ای به این نظام معنایی وارد نمی‌کند. بلکه آنچه مهم است آن است که؛ حقوق بشر و بطور کلی حق در اندیشه و باور اسلامی دارای منشأ، و غایتی الهی است. حقوق بشر چه در طبیعت انسان و به صورت امری عینی و واقعی وجود داشته باشد و انسان با علم اشرافی به آن دست پیدا کند و یا اینکه توسط انسان و بنا به ضرورت‌های حیات اجتماعی ابداع شده باشد، در دین اسلام و اندیشه اسلامی امری است ذاتا الهی.

۳- کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی^۱

منشور OIC فصل خاصی را به حمایت از حقوق بشر اختصاص نداده بود و حقوق بشر در سال‌های نخست تاسیس در الویت‌های سازمان همکاری اسلامی جایگاهی نداشت. به نظر می‌رسید که حمایت سازمان از حقوق بشر تنها در چارچوب اقداماتی مدنظر بود که به رعایت کلی کلیه تعهدات پذیرفته شده توسط کشورهای عضو در نظر گرفته شده است (Hausler, 2016: 137). با اصلاحات جدید در منشور سازمان، بر مواردی چون صلح جویی، بهبود شرایط حقوق بشر و دیگر حقوق اساسی، حق تعیین سرنوشت، قانون مداری، دموکراسی، جستجوگری، تعهدسپاری نسبت به تقویت و پیشبرد حقوق زنان و کودکان و افراد خاص تاکید می‌شود (Adam, 2014: 6). در ماده (۱۴) منشور "پیشبرد و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین از جمله حقوق زنان، کودکان، جوانان، سالمندان و افراد دارای نیازهای ویژه همراه با حفظ ارزش‌های خانواده اسلامی" از جمله اهداف و اصول سازمان به شمار آمده است. لزوم تقید به قبول حاکمیت دول مسلمان و پشتیبانی از ملل اسلامی در کشورهای غیر مسلمان در میان اهداف مورد نظر سازمان همکاری اسلامی به وضوح دارای جایگاه می‌باشد (موسوی اصل، ۱۳۹۹: ۶). در سال ۲۰۱۱ سازمان همکاری اسلامی با تصویب اساسنامه کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر، در جهت بهبود وضعیت حقوق بشر و یاری دول عضو سازمان همکاری اسلامی به منظور تعهدسپاری نسبت به امور حقوق بشری، این نهاد را بنیان نهاد

¹ Independent Permanent Commission on Human Rights: IPCHR

(Mayer, 5:2015). کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر بر اساس ماده ۵ و ۱۵ منشور موسس سازمان همکاری اسلامی (۱۹۶۹) ایجاد گردید. در سی و هشتمین نشست شورای وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان که از ۲۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۱ در آستانه پایتخت جمهوری قزاقستان برگزار شد، چندین قطعنامه به تصویب رسید. قطعنامه‌ای ذیل عنوان پیگیری و همکاری در امور حقوق بشر به ایجاد کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر مربوط می‌شود. هدف کمیسیون دائمی «ترویج حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مندرج در کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های سازمان و همچنین سایر اسناد شناخته شده جهانی، مطابق با ارزش‌های اسلامی» است. هر چند بند ۲ قاعده دوم آیین اجرایی کمیسیون به این نهاد اختیار داده است تا حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را به موجب معیارهای پذیرفته شده جهانی حقوق بشر توسعه دهد (ماده ۱۵ اساسنامه سازمان همکاری اسلامی و مقدمه اساسنامه کمیسیون (موسوی اصل، ۱۳۹۹:۱۴)).

اول: ترکیب کمیسیون

در اساسنامه ۲۹ ماده ایی کمیسیون الحاق شده به قطعنامه مرتبط با موضوع حقوق بشر، مواد ۳ تا ۷ را به ترکیب آن اختصاص داده است.

۱.۱ اعضا کمیسیون: این افراد ۱۸ نفر از کارشناسانی هستند که «دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه حقوق بشر می‌باشند». دولت‌های کشورهای عضو نام آنها را پیشنهاد می‌کنند و آنها توسط شورای وزیران خارجه با لحاظ پراکندگی جغرافیایی^۱ "برای یک دوره ۳ ساله که فقط یک بار قابل تمدید است" انتخاب می‌شوند (ماده ۳ اساسنامه). وظیفه فراخوان نامزدهای انتخابات اعضا آتی کمیسیون با دبیر کل سازمان می‌باشد (ماده ۴).

۲. کاندیداتوری زنان: ماده ۶ اساسنامه از کشورهای عضو سازمان می‌خواهد که نامزدی زنان را برای عضویت در کمیسیون مورد تشویق قرار دهند.

دوم: اهداف کمیسیون

مواد ۸ تا ۱۱ اساسنامه به اهداف کمیسیون می‌پردازد. این اهداف عبارت اند از:

۱. ترویج حقوق بشر: کمیسیون باید در مورد این حقوق «در خدمت منافع امت اسلامی» باشد و در ترغیب احترام به فرهنگ‌ها و ارزش‌های اسلامی مدار و گفت‌وگوی تمدن‌ها بر اساس اهداف و اصول منشور سازمان تلاش نماید (ماده ۸ اساسنامه).

۲. پشتیبانی از ارتقای حقوق: که در رابطه با تحسین اقدامات کشورهای عضو سازمان برای ارتقای "حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" می‌باشد (ماده ۹ اساسنامه). به بیان دیگر، کمیسیون از تلاش‌های این کشورها برای «ترویج حقوق

^۱ ماده ۷ اساسنامه کمیسیون.

زنان، جوانان و افراد با نیازهای خاص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مطابق با مفاد منشور» حمایت می‌کند و رفع هرگونه تبعیض و خشونت را تضمین می‌نماید» (ماده ۱۱ اساسنامه). البته در این ماده حمایت از حقوق کودکان در نظر گرفته نشده است و این جای سوال خواهد داشت.

۳. همکاری با کشورهای عضو: همکاری بین کمیسیون و کشورهای عضو سازمان برای تضمین "ترویج حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین تضمین احترام به حقوق مسلمانان، جوامع و اقلیت‌ها مطابق با منشور سازمان وجود خواهد داشت» (ماده ۱۰ اساسنامه).

این اهداف نشان می‌دهد که نقش کمیسیون به ارتقای حقوق بشر محدود می‌شود. در حالیکه نهادهای مختلف حقوق بشر که در سازمان‌های منطقه‌ای فعالیت می‌کنند یا توسط کنوانسیون‌های حقوق بشر منطقه‌ای ایجاد شده‌اند، به موضوعات ارتقا و حمایت از حقوق بشر می‌پردازند، از جمله کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر-ارگانی از سازمان کشورهای آمریکایی-که در سال ۱۹۵۹ ایجاد شد و کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم-ارگان منبعث از اساسنامه آفریقایی حقوق بشر و مردم که در سال ۱۹۸۱ تاسیس گردید.

سوم: صلاحیت‌های کمیسیون

اختیارات کمیسیون در مواد ۱۲ تا ۱۷ اساسنامه تعریف شده است. این مهارت‌ها حول محور «ترویج» حقوق بشر، ارائه «توصیه‌ها» به ارگان‌های مختلف سازمان (ماده ۱۲ اساسنامه کمیسیون)، «همکاری» بین سازمان همکاری اسلامی و دیگر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای (ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون)، «همکاری» بین کشورهای عضو در زمینه حقوق بشر (ماده ۱۳ اساسنامه کمیسیون)، ارائه همکاری‌های فنی و افزایش آگاهی در رابطه با حقوق بشر در کشورهای عضو (ماده ۱۴ اساسنامه کمیسیون) و "ترویج" نقش نهادهای ملی و سازمان‌های جامعه مدنی-نهادهای معتبر در کشورهای عضو-در این زمینه می‌باشد (ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون)، در ماده ۱۶ کمیسیون مطالعات و تحقیقاتی را در زمینه موضوعات الویت دار حقوق بشر از جمله موضوعاتی که شورا به آن ارجاع می‌دهد انجام می‌دهد. و در ماده ۱۷ کمیسیون بنا به درخواست کشورهای عضو در زمینه حقوق بشر همکاری می‌نماید. هرچند در این مواد نیز هیچ اشاره‌ای به شکایات یا ارتباطاتی که می‌توانست توسط قربانیان نقض حقوق بشری تحت حمایت اسناد تصویب شده OIC نسبت به دولت‌ها یا اشخاص ناقض ارائه شود، نشده است. همچنین کمیسیون هیچ‌گونه امکانی برای انجام تحقیقات در کشورهای عضو ندارد.

در رابطه با ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون ارائه توضیحاتی لازم به نظر می‌رسد:

الف) ماده جدید ۱۵ به نوعی در مورد «برنامه ده ساله اقدام برای مقابله با چالش‌های پیش روی امت اسلامی در قرن بیست و یکم» که در اجلاس استثنایی اسلامی در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، پاسخ داده است. بنابراین، وظیفه اصلی این کمیسیون "ترویج"

چندین دسته از حقوق است: سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. و «حمایت» از حقوق بشر به این کمیسیون واگذار نگردیده است. بین این دو وظیفه تفاوت وجود دارد. بنابراین، وظیفه حفاظت قوی تر و محدودتر است و وجود یک مکانیزم حفاظتی را مفروض می‌شود، از سوی دیگر، وظیفه ارتقاء انعطاف پذیرتر است و به هیچ مکانیزمی متکی نیست.

ب) ماده ۱۵ از یک سو به «کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های سازمان» و همچنین به «سایر اسناد شناخته شده جهانی» استناد می‌کند، به این معنی که کمیسیون باید کلیه حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در اسناد تصویب شده توسط سازمان‌های بین‌المللی مختلف به رهبری سازمان ملل متحد را ارتقا دهد و به نظر می‌رسد این امر به همه مناقشات مرتبط با پذیرش اعلامیه‌های سازمان همکاری اسلامی و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد پذیرش سازمان ملل پایان می‌دهد.

ج) این ماده جهت ترویج «حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی» توسط کمیسیون است و جای خالی ترویج حقوق فرهنگی در این ماده مشهود می‌باشد.

د) کمیسیون باید حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را «مطابق با ارزش‌های اسلامی» ترویج نماید. در نتیجه، جهت محدود نشدن حوزه عملکرد این حقوق، بر اثر پررنگ شدن برخی تفاسیر نامفهوم از این ارزش‌ها، تعریف روشن و صریح معیارهای مورد نظر ضروری به نظر می‌رسد.

چهارم: جلسات کمیسیون

کمیسیون دو بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد (ماده ۱۸ اساسنامه کمیسیون). اولین جلسه در جا کارتا (اندونزی) بین ۲۰ و ۲۴ فوریه ۲۰۱۲ برگزار شد. در جلسه اول، کمیسیون از یک سو سه موضوع کلی دستور کار خود را تعریف کرد:

۱. حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای عضو OIC

۲. حقوق بشر که قبلاً در برنامه‌های سازمان همکاری اسلامی ذکر شده است، مانند: اقلیت‌های مسلمان.

۳. وضعیت حقوق بشر در فلسطین و سرزمین‌های عربی اشغال شده از سال ۱۹۶۷

و از سوی دیگر کمیسیون موضوعات اولویت دار را مشخص نموده بود:

۱. حقوق زنان و کودکان.

۲. حق توسعه.

۳. حق آموزش.

۴. ترغیب تحقیق و جستجوگری.

دبیرکل جدید OIC در چهارمین نشست کمیسیون که در جدّه (عربستان سعودی) بین ۲ تا ۶ فوریه ۲۰۱۴ برگزار شد، چالش‌هایی را جهت رفعشان معین نمود:

۱. محدودیت آزادی بیان.

۲. برابری جنسیتی.

۳. کاربرد حقوق بشر در نظام‌های قانونی و حقوقی کشورهای عضو OIC

۴. چگونه می‌توان جنبش‌های افراطی در کشورهای عضو OIC را کنترل نمود.

و سرانجام، تیمی متشکل از چند عضو کمیسیون، پیش‌نویس اساسنامه داخلی آن را تهیه کرد.

طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر (IPHRC)، اهداف و دستورات از جمله موارد زیر را شامل می‌شود:

اول: مشاوره به نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار سازمان همکاری اسلامی در مورد تمامی موضوعات مربوط به حقوق بشر.

دوم: انجام مطالعات و تحقیقات در زمینه حقوق بشر.

سوم: پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در کشورهای عضو و نیز حقوق اساسی اقلیت‌ها و جوامع مسلمان در کشورهای غیر عضو مطابق با هنجارها و استانداردهای حقوق بشر شناخته شده جهانی با ارزش افزوده اصول اسلامی عدالت و برابری.

چهارم: ترویج و تقویت حقوق بشر در کشورهای عضو با ارائه "همکاری و کمک فنی در زمینه حقوق بشر و افزایش آگاهی".

پنجم: پیگیری گفتگوی بین ادیان و فرهنگ‌ها به عنوان ابزاری برای ارتقای صلح و هماهنگی میان تمدن‌های مختلف و ارتقای چهره واقعی اسلام.

ششم: گسترش حمایت از کشورهای عضو و نهادهای ملی آنها در ترویج و حمایت از حقوق بشر برای همه به روشی مستقل.

هفتم: بازنگری اسناد حقوق بشر خود سازمان همکاری اسلامی و توصیه راه‌هایی جهت تنظیم دقیق آنها، که در صورت لزوم، از جمله آنان توصیه مکانیسم‌ها و میثاق‌های جدید می‌باشد.

هشتم: ارتقای روابط کاری همکاری با نهادهای ذریبست سازمان ملل و سازمان همکاری اسلامی و همچنین سازوکارهای منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر.

نهم: ترویج و حمایت از نقش سازمان‌های جامعه مدنی معتبر کشورهای عضو.

دهم: شرکت در مأموریت‌های نظارت بر انتخابات در کشورهای عضو (سایت کمیسیون دائمی حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی: www.oic-iphrc.org).

۳- سازمان توسعه زنان در سازمان همکاری اسلامی^۱

هنجارسازی اولین گام در راستی تحقق حقوق زنان است. سازمان همکاری اسلامی تلاش نموده است تا درک خود از حقوق زنان را بر مبنای شریعت اسلامی و عرف و معاهدات بین‌المللی در چارچوب سند تاسیس سازمان، اعلامیه حقوق بشر در اسلام و برنامه‌های عملی سازمان ارائه دهد (صفاری نیا، ۱۳۹۷: ۳۰). در ماده ۶ اعلامیه قاهره مصوب ۱۹۹۰ نیز، تساوی زن و مرد از جنبه حیثیت انسانی مطرح شده است، ولی در ارتباط با حقوق، از برابری حقوق زن و مرد سخنی به میان نیامده است (مظفری، منشور حقوق بشر اسلامی، ۱۳۸۹). در سال ۲۰۰۵، سازمان همکاری اسلامی یک برنامه عمل راهبردی ۱۰ ساله را ارائه نمود که در اولین ارجاع این برنامه به اصل برابری، حقوق بشر و حکمرانی مطلوب مد نظر قرار داشت و در دومین ارجاع به اصل برابری، حقوق زنان، کودکان، جوانان و خانواده در جهان اسلام مطرح شده و تقویت قوانین جهت کسب پیشرفت زنان در جوامع مسلمان مطابق با ارزش‌های اسلامی خواسته شده است (صفاری نیا، ۱۳۹۸: ۱۰). در نهایت شورای وزیران خارجه که از ۲۳ تا ۲۵ مه ۲۰۰۹ در دمشق برگزار شد، طی سی و ششمین اجلاس خود، قطعنامه شماره 4/36 ORG خود را در مورد ایجاد سازمان تخصصی جهت ارتقای زنان در کشورهای عضو OIC تصویب نمود. اساسنامه این سازمان به این قطعنامه پیوست و این اساسنامه تصویب شده است و برای اجرایی شدن نیاز به تصویب ۱۵ کشور دارد. (بزرگمهری، ۲۰۱۷: ۷۶).

الف) مقررات عمومی اساسنامه

۱. ماده ۲ اساسنامه سازمان هدف از تشکیل خود را «ارتقای نقش زنان در توسعه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی» مقرر نموده است و دستیابی به این هدف عبارت است از: «تقویت ظرفیت‌ها، استعدادها و مهارت‌های خود از طریق سازوکارهای مختلف از جمله آموزش و پرورش با رعایت موازین و ارزش‌های اسلامی».

۲. ماده ۳ اساسنامه نشان می‌دهد که این سازمان «یک نهاد بین‌المللی تخصصی است که از شخصیت حقوقی برخوردار بوده و در چارچوب سازمان همکاری اسلامی فعالیت می‌کند».

¹ OIC Women Development Organization.

۳. قاهره (مصر) طبق ماده ۴ مقرر این سازمان است. و مصر باید تضمین نماید که «به سازمان، کارکنان آن و نمایندگان کشورهای عضو، امتیازات و مصونیت‌های پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه ستاد را تخصیص داده و یک کرسی دائمی به آن اختصاص دهد».

۴. ماده ۵ اساسنامه این اهداف را برشمرده است که عبارتند از:

اولن قش اسلام در حفظ حقوق زنان مسلمان، به ویژه در سطح مجامع بین‌المللی که سازمان در آن مشارکت دارد، برجسته شود.

دوم: طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های لازم برای اجرای سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و تصمیمات OIC در زمینه‌های ارتقاء، حمایت و توانمندسازی زنان در کشورهای عضو توسعه یابد.

سوم: کنفرانس‌ها، سمپوزیوم‌ها، کارگاه‌ها و جلساتی در زمینه تقویت و توسعه زنان کشورهای عضو برگزار گردد.

چهارم: سمینارها و برنامه‌های آموزشی با هدف تقویت ظرفیت‌ها، استعدادها و مهارت‌ها در زمینه رشد زنان به منظور انجام مأموریت‌های خود در خانواده و جامعه برگزار گردد.

پنجم: تلاش‌های ملی در داخل کشورهای عضو برای توسعه منابع انسانی در حوزه توسعه زنان. حمایت و تشویق گردد.

ششم: فعالیت‌هایی با هدف ارتقای نقش زنان و تضمین حقوق کامل آنها در جوامع کشورهای عضو، مطابق با منشور و تصمیمات سازمان کنفرانس اسلام سازمان دهی شود..

هفتم: توسعه مطالعات در زمینه بهبود نقش زنان در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی.

هشتم: تقویت حقوق زنان، مندرج در منشور OIC و رفع محدودیت‌ها به منظور امکان مشارکت زنان در ساختن جامعه.

نهم: ارائه راه‌ها و روش‌های حمایت از جامعه به نفع زنان.

دهم: ایجاد شبکه اطلاعاتی که کشورهای عضو را قادر می‌سازد تجارب و عملکردهای حوزه زنان را از طریق مثلا همکاری با جامعه مدنی شناسایی کنند.

این اهداف از یک سو جنبه‌های اساسی و حیاتی وضعیت زنان و اهمیت ارتقای جایگاه و مشارکت آنها در زندگی فعال جوامع کشورهای عضو OIC را به خوبی پوشش داده است و از سویی دیگر بر ضرورت تحکیم حقوق زنان و رفع موانعی که آنان را از ایفای نقش و بهره‌مندی از تجارب و ظرفیت‌های آنان در توسعه و شکوفایی کشورشان باز می‌دارد، اصرار داشتند. در نهایت، ایجاد «شبکه اطلاعاتی» ذکر شده در بند ۱۰ ماده ۵، شناسایی و بهره‌مندی از تجربیات زنان در کشورهای عضو و همچنین «همکاری آنها با جامعه مدنی» را ممکن می‌سازد.

با این حال، شایسته است که بند ۱ ماده ۵ منحصراً به «حقوق زنان مسلمان» اشاره نکند، بلکه به حقوق «زنان» به طور کلی در کشورهای عضو اذعان نماید: زنان مسلمان یا غیرمسلمان، زیرا قوانین اسلام و اصول آن نه تنها به زنان «مسلمان» بلکه به همه «زنان» مربوط می‌شود. (صفاری نیا، ۱۳۹۸: ۴۲).

۵. بند ۱ از ماده ۶ اساسنامه، عضویت کشورهای عضو OIC در سازمان توسعه زنان، "به صورت داوطلبانه" را برای کشورهای عضو OIC امکان پذیر می‌داند.

طبق بند ۲ ماده ۶، کشورهای ناظر و غیر عضو OIC می‌توانند به عضویت سازمان توسعه زنان درآیند اما "بدون لطمه به حقوق دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که عضو ناظر OIC می‌شوند." با این حال، طبق بند ۲ ماده ۶، حق رأی منحصراً متعلق به «کشورهای عضو سازمان» است.

۶. منابع مالی سازمان طبق ماده ۷ از طریق کمک‌های پرداخت شده توسط کشورهای عضو و با توجه به سهمیه‌های اتخاذ شده آنها تضمین می‌شود که "که باید بر اساس درصد سهم هر کشور در بودجه دبیرخانه سازمان همکاری اسلامی تعیین شود".

-منابع دیگر توسط کمک‌ها، خیریه‌ها و یارانه‌های اعطایی توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و غیردولتی به شرط پذیرش توسط دبیرخانه اجرایی فراهم می‌آید و منابع به دست آمده در ازای خدمات ارائه شده توسط سازمان در چارچوب حوزه فعالیت خود تحصیل می‌شود. کشورهای عضو OIC که عضو سازمان توسعه زنان نیستند، هیچ بار مالی یا تعهدی در قبال آن ندارند.

ب) ارگان‌ها

اساسنامه سازمان چندین نهاد ایجاد کرد:

۱. شورا: طبق بند ۱ ماده ۸ این اساسنامه از "وزرای مسؤول مسائل زنان یا کسانی که همان اختیارات را در کشورهای عضو اعمال می‌کنند" تشکیل شده است. رئیس آن "وزیر امور زنان کشور میزبان جلسه" می‌باشد. شورا به صورت دوره ای و هر دو سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. اما می‌تواند در یک جلسه فوق‌العاده «به درخواست یکی از کشورهای عضو با تأیید یک سوم اعضا» تشکیل شود. بر اساس ماده ۹ شورا «سیاست‌های کلی سازمان» را تعریف و برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی، زمینه‌های مشارکت در تأمین مالی فعالیت‌های آن را اتخاذ می‌کند. همچنین مدیر اجرایی سازمان را منصوب نموده که در رویدادهای بین‌المللی نمایندگی سازمان را بر عهده دارد.

۲. مدیر اجرایی: طبق ماده ۱۰ توسط شورا از بین نامزدهای کشورهای عضو سازمان منصوب می‌شود. مدت فعالیت آن برای یک دوره ۴ ساله است که فقط یک بار قابل تمدید است. وی مسئولیت اداره امور سازمان از طریق اجرا و پیگیری سیاست‌ها و مصوبات شورا و اجرای برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های مصوب شورا را بر عهده دارد (ماده ۱۰ اساسنامه سازمان توسعه زنان).

ج) مقررات نهایی

این مقررات مربوط به:

۱. کاربرد: ماده ۱۱ اساسنامه تصریح می کند که مفاد منشور OIC و مقررات مربوط به عملکرد آن "در مورد کلیه مواردی که در این اساسنامه یا مقررات سازمانی و اداری یا انسانی و فرآیند منابع مالی مصوب هیئت مدیره پیش بینی نشده است" اعمال می شود (ماده ۱۱ اساسنامه).

۲. پذیرش: پذیرش اساسنامه سازمان طبق بند ۱ ماده ۱۲ «توسط شورای وزیران خارجه OIC» خواهد بود و این امر برای امضا و تصویب به کشورهای عضو ارائه خواهد شد. بند ۲ همین ماده توضیح می دهد که اسناد تصویب به دبیرخانه سازمان همکاری اسلامی سپرده می شود و لازم است ۱۵ تصویب نامه از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی اخذ گردد جهت اینکه اساسنامه در روز بعد از تصویب پانزدهم لازم الاجرا شود (بند ۱ و ۲ ماده ۱۲ اساسنامه).

۳. اصلاحیه: اساسنامه، طبق ماده ۱۳ خود، امکان اصلاح آن را به کشورهای عضو سازمان می دهد. شورای سازمان توسعه زنان اصلاحیه پیشنهادی را «به شرطی که این پیشنهاد با اکثریت دو سوم کشورهای عضو پذیرفته شود و سپس اصلاحیه پیشنهادی برای تصویب به اولین جلسه پس از شورای وزیران خارجه ارائه شود» بررسی می نماید (ماده ۱۳ اساسنامه).

۴. خروج: بند ۱ ماده ۱۴ اساسنامه به هر کشور عضو سازمان حق خروج از سازمان توسعه زنان را می دهد. با این حال، این کشور باید "یک سال قبل از خروج موثر و با اطلاع به تمام کشورهای عضو" اطلاعیه ای را برای مدیر اجرایی ارسال کند. اما این کشور مانند سایر سازمان های بین المللی «باید تا پایان سال مالی که طی آن درخواست خود را برای خروج ارائه کرده است، به تعهدات مالی خود عمل کند و سایر مبالغ متعلق به سازمان را پرداخت نماید» (ماده ۱۴ بند ۲).

۴- میثاق حقوق کودک سازمان همکاری اسلامی

در سی و دومین کنفرانس اسلامی وزیران خارجه که در صنعا-یمن، در دوره ۲۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵ منطبق با ۲۱ تا ۲۳ جمادی الاول ۱۴۲۶ برگزار شد، پیمان حقوق کودک سازمان همکاری اسلامی به تصویب رسید و برای امضا، الحاق و تصویب ارائه گردید. این میثاق با در نظر گرفتن قوانین داخلی کشورها و نیز در نظر گرفتن حقوق کودکان اقلیت ها و جوامع غیر اسلامی مورد تایید قرار گرفته است. تدوین و تصویب این میثاق حاکی از لزوم توجه به اهمیت وضعیت کودکان در کشورهای اسلامی است (فقیه حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۵) که بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشورهای اسلامی را تشکیل می دهند (مصفا، ۲۰۱۱: ۴۴). قوانین این پیمان به عنوان حقوق مشترک کودکان مسلمان و غیر مسلمان تعریف شده است.

در ماده ۱: مفهوم کودک بیان شده است. از نظر این میثاق، کودک به هر انسانی اطلاق می‌شود که طبق قانون مربوط به او به سن بلوغ نرسیده باشد.

در ماده ۲: اهداف این پیمان به شرح ذیل است:

۱. مراقبت از خانواده و ارتقای توانمندی‌های آن، حمایت‌های لازم برای جلوگیری از وخامت اوضاع اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی آن و ایجاد صلاحیت همسران برای اطمینان از انجام خواسته‌های خود. انجام وظیفه در تربیت فرزندان و رشد جسمی، روانی و رفتاری آنها.

۲. تأمین کودکی سالم و ایمن و تربیت نسلی از کودکان مسلمان که به پروردگار خود ایمان داشته و به این ایمان، پایبند هستند.

۳. تعمیم و تعمیق علاقه به دوران کودکی و نوجوانی و مراقبت کامل از آنها به گونه‌ای که نسل‌های خوبی برای جامعه خود ایجاد کنند.

۴. همگانی کردن آموزش اجباری رایگان برای همه کودکان بدون توجه به جنسیت، رنگ، ملیت، مذهب، تولد یا هر ملاحظه دیگری و توسعه آموزش از طریق ارتقای برنامه‌های درسی و فراهم کردن فرصت‌های حرفه‌آموزی.

۵. فرصت کشف استعداد‌های کودک از طریق خانواده و نهادهای ذیربط، و پی بردن به اهمیت و جایگاه کودکان در جامعه و تشویق آنها به مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه.

۶. مراقبت‌های لازم برای کودکان با نیازهای ویژه و کسانی که در شرایط سخت زندگی می‌کنند و رسیدگی به عللی که منجر به این امر می‌شود.

۷. ارائه کمک‌ها و حمایت‌های احتمالی از کودکان مسلمان در سراسر جهان با هماهنگی دولت‌ها یا از طریق سازوکارهای بین‌المللی.

در ماده ۳: اصول دستیابی به اهداف مذکور در ماده دو ذکر شده است. از جمله:

۱. رعایت احکام شرع اسلامی و رعایت قوانین داخلی کشورهای عضو.

۲. احترام به اهداف و اصول سازمان همکاری اسلامی.

۳. اولویت دادن به حقوق، منافع، حمایت و توسعه کودکان.

۴. رعایت عدم مداخله در امور داخلی هر کشور.

در ماده ۴: وظایف دولت‌ها نسبت به میثاق کودک اعلان گردیده است. کشورهای عضو باید:

۱. به حقوق مندرج در این میثاق احترام بگذارند و اقدامات لازم را برای اجرای آن طبق رویه‌های داخلی خود انجام دهند.
۲. به مسئولیت‌ها و حقوق والدین، سرپرستان یا سایر افراد مسئول کودک، طبق رویه‌های داخلی آن و به نفع کودک احترام بگذارید.
۳. خاتمه آداب، سنن یا اعمال مغایر با شرع اسلام و حقوق و تکالیف مقرر در این میثاق.

در ماده ۶: حق حیات کودک محترم شمرده شده است:

۱. طفل حق حیات دارد و سقط جنین ممنوع است مگر در موارد ضروری مصلحت مادر جنین یا هر دو و حق نسب و مالکیت و ارث و نفقه برقرار می‌باشد.
۲. کشورهای عضو، عناصر اساسی بقا و رشد کودک را تضمین خواهند کرد و از او در برابر خشونت، بدرفتاری، استثمار و وخامت شرایط زندگی و بهداشت محافظت خواهند کرد.

ماده ۷: هویت

۱. کشورهای عضو، عناصر هویت کودک، از جمله نام، ملیت و روابط خانوادگی او را مطابق با قوانین داخلی خود حفظ خواهند کرد و تلاش خواهند کرد تا مشکل بی تابعیتی را برای هر کودکی که در قلمرو آنها متولد شده یا از یکی از اتباع خود در خارج از قلمرو خود متولد شده باشند، حل کنند.
۲. فرزند مجهول الهویه و نظایر آن، حق کفالت و سرپرستی بدون فرزند خواندگی و حق داشتن نام، نام خانوادگی و ملیت را دارد.

در ماده ۸: انسجام خانواده مدنظر است:

۱. دولت‌های عضو خانواده را در برابر عوامل ضعف و انحلال محافظت خواهند کرد و برای مراقبت از اعضای آن و اتخاذ وسایل انسجام و تعادل در چارچوب توانایی‌های موجود تلاش خواهند کرد.
۲. طفل بر خلاف میل والدین از آنها جدا نمی‌شود و ولایت آنها جز در مواقع ضروری و به نفع طفل و با توجیه مشروع و با رعایت تشریفات داخلی و موضوعی از آنان سلب نخواهد شد.

در ماده ۹: آزادی‌های خصوصی اطفال تشریح می‌گردد:

۱. هر کودکی با توجه به سن و شرایط بلوغ خود این توانایی را دارد که نظرات خود را بیان کند و در تمام مواردی که به او مربوط می‌شود، اعم از شفاهی، کتبی یا هر وسیله مشروع دیگر، آزادانه آن را به شرطی که مغایر با شرع و احکام رفتاری نباشد،

اظهار دارد. آزادی تشکیل اجتماع مسالمت آمیز مدنی به شرط مطابقت با شرع یا قوانین قانونی و منظم در جامعه خود و به نحوی که متناسب با سن او باشد یا الحاق به آن در صورت عدم تاثیرگذاری بر رفتار و سلامت خود طفل و خانواده اش بلامانع است و این مورد در ماده ۱۰ ذکر شده است.

در ماده ۱۱: به آموزش و پرورش کودک پرداخته شده است که آموزش صحیح حق کودک است و حسب مورد مسئولیت آن بر عهده والدین یا قیم است و نهادهای دولتی در حد توان به آنها کمک خواهند کرد. حق داشتن آموزش و امکانات فرهنگی نیز در ماده ۱۲ بیان گردیده است.

در ماده ۱۴: استانداردهای زندگی اجتماعی اطفال برشمرده شده است؛ حق داشتن حضانت و نفقه، حق بهره‌مندی از خدمات تامین اجتماعی مطابق با قوانین ملی هر کشور عضو، کاهش قیمت خدمات و حق داشتن معافیت از عوارض و مالیات و حق برخورداری از سطح زندگی متناسب با رشد ذهنی، روانی، جسمی و اجتماعی.

در ماده ۱۵: مراقبت‌های بهداشتی مادر و کودک بیان شده است. از جمله: اطمینان از مراقبت مادر از ابتدای بارداری و شیردهی، تخفیف دادن برخی از احکام حقوقی و قضایی برای زنان شیرده، تعویق بخشی از مجازات‌های مقرر علیه وی و کاهش تکالیف شغلی زن شیرده و باردار مانند کاهش ساعات کار. انجام اقدامات لازم برای کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان و لزوم انجام معاینات پزشکی برای کسانی که قصد ازدواج دارند به منظور اطمینان از عدم وجود علل ژنتیکی یا مسری بیماری‌هایی که کودک را تهدید می‌کند.

در ماده ۱۶: حقوق کودکان دارای معلولیت و افراد با نیازهای ویژه که در مواردی مراقبت‌های دریافتی باید رایگان صورت گیرد.

ماده ۱۷: کشورهای عضو اقدامات لازم جهت محافظت از کودک در برابر مواردی مانند:

۱. استفاده غیرقانونی از مواد مخدر، مسکرات و مواد مضر یا مشارکت در تولید، تبلیغ یا قاچاق آنها.

۲. هرگونه شکنجه یا رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز کودک، قاچاق و آدم ربایی.

۳. هر نوع استثمار به ویژه استثمار جنسی.

۴. نفوذ فرهنگی، فکری، رسانه‌ای و ارتباطی که مغایر با شریعت اسلامی یا منافع ملی دولت‌های عضو باشد.

۵. حمایت از کودکان با عدم دخالت آنها در درگیری‌ها و جنگ‌های مسلحانه.

در ماده ۱۸: کار کودکان بررسی شده است:

۱. کودک نباید به کارهایی که مخاطره آمیز هستند، تربیت و تربیت او را مختل می کند یا به ضرر سلامتی یا رشد جسمی و روحی او باشد، اشتغال داشته باشد.

۲. قوانین داخلی هر کشور حداقل سن، ساعات و شرایط کار را تعیین و برای متخلفان مجازات تعیین می کند.

ماده ۱۹: عدالت

۱. کودک را نمی توان از آزادی خود محروم کرد مگر به موجب قانون و برای مدت مناسب و معین.

۲. با کودکی که از آزادی محروم شده است، برحسب حیثیت و احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی و با در نظر گرفتن نیازهای هم سن و سال او رفتار شود.

۳. کشورهای عضو باید موارد زیر را در نظر بگیرند:

الف) کودک محروم از آزادی را از بزرگسالان جدا کرده و در مکان های ویژه کودکان بزهکار نگهداری نمایند.

ب) در صورت احضار یا دستگیری کودک، فوراً و مستقیماً اتهامات وارده به او را به وی، والدین او و هر شخص مسئول دیگر سمت وی اطلاع رسانی کنند.

ج) کمک های حقوقی و بشردوستانه مورد نیاز کودک شامل کمک وکیل و در صورت لزوم مترجم را فراهم شود.

د) تصمیم گیری سریع پرونده توسط دادگاه ویژه اطفال و امکان تجدیدنظرخواهی از حکم به دادگاه بالاتر در صورت محکومیت.

ه) مجبور نکردن کودک به تصدیق آنچه به او نسبت داده شده یا اینکه شهادت دهد.

و) در نظر گرفتن تنبیه به عنوان وسیله ای برای بازپروری و مراقبت و ادغام مجدد آنها در جامعه.

ز) تعیین حداقل سنی که کمتر از آن کودک قابل پیگرد قانونی نباشد.

ح) اطمینان از رعایت حریم خصوصی کودک در تمام مراحل رسیدگی.

در ماده ۲۱: حقوق کودکان پناهنده تشریح شده است: کشورهای عضو تا آنجا که ممکن است تضمین خواهند نمود که کودکان پناهنده یا کسانی که وضعیت مشابهی دارند، از حقوق مندرج در این میثاق مطابق قوانین ملی خود برخوردار شوند.

در ماده ۲۴ تا ۲۶: سازوکار اجرای میثاق مذکور است!

نتیجه گیری

سازمان همکاری اسلامی پس از سازمان ملل متحد، به عنوان دومین سازمان بین‌الدولی یکی از جلوه‌های چند جانبه‌گرایی بین‌المللی و صدای مشترک دنیای اسلام است که وظیفه آن حفظ و صیانت از منافع جهان اسلام است. در اسناد حقوق بشری سازمان همکاری اسلامی برای حمایت از حقوق بشر و واکنش به نقض‌های حقوق بشری در دولت‌های عضو سازوکار مناسبی طرح ریزی نشده است. به عبارتی واکنش سازمان به حقوق بشر از طریق نكوهش، محکوم نمودن، صدور قطعنامه علیه دولت ناقض قواعد حقوق بشری، تعلیق عضویت برخی دولت‌های عضو و تحت فشار قرار دادن دولت‌ها برای خاتمه بخشیدن به نقض‌های حقوق بشری و همچنین بازدیدهای میدانی و تهیه گزارش‌های حقوق بشری در مورد وضعیت حقوق بشر در دولت‌های عضو، صلاحیت‌های نظارتی سازمان مبتنی بر اساسنامه سازمان و سند تاسیس کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر و سایر اسناد سازمان نمی‌باشد، بلکه تمهیداتی هستند که سازمان در بستر عمل و به ویژه به موجب ابتکارات کارشناسان کمیسیون به آنها مبادرت نموده است (موسوی اصل، ۱۴۰۰:۲۲). در زمینه حقوق زنان و ارتقای جایگاه آنان نیز، دولت‌های اسلامی از حیث شناسایی این حقوق و هنجارسازی در چارچوب سازمان همکاری اسلامی موفقیت قابل توجهی نداشته‌اند و در عوض تدوین و تصویب معاهده لازم‌الاجرای اسلامی، به یک سری مصوبات اجلاس و اسناد اعلامی و برنامه محور بسنده کرده‌اند و با توجه به اینکه دولت‌های اسلامی هنوز نتوانسته‌اند به سازوکارهای نظارتی موثری جهت رصد میزان رعایت حقوق زنان از سوی یکایک اعضای سازمان همکاری اسلامی دست یابند، از بُعد اعمال نظام حمایتی هموز راه‌درازی در پیش است (صفاری نیا، ۱۳۹۸:۲۴). در زمینه پیمان حقوق کودک، مهم‌ترین مسئله امنیتی امروزه در جهان اسلام درگیر در منازعات مسلحانه داخلی، وضعیت بغرنج غیرنظامیان بویژه کودکان می‌باشد که به سیمای اصلی جوامع اسلامی مبدل گشته است. حقیقت اصلی عدم رعایت حقوق غیرنظامیان به خصوص کودکان در کشورهای اسلامی دچار مخاصمات مسلحانه، نه ناشی از ضعف ساختارهای سیاسی جهان اسلام دارد، تا جایی که تدوین منشور کودک در سازمان همکاری اسلامی نیز، نتوانسته است به درستی این ضعف را برطرف نماید (فقیه حبیبی، ۱۳۹۶:۲۵). برای آنکه اقدامات سازمان همکاری اسلامی در رصد نمودن وضعیت حقوق بشر در دولت‌های عضو به ایجاد رویه‌ای ثابت و مستقر تبدیل شود باید ضمانت اجرای قابل اتکایی داشته باشد، تا اقدامات مورد نظر الزام‌آور گردد و این تعهدآوری در کنار تمام روش‌های دیگر، از طریق نهادهای قضایی مانند دادگاه قابل دستیابی است تا حفظ و رعایت اهداف مورد نظر از سوی همه نهادهای هدف میسر گردد. دادگاه عدل اسلامی (دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی) رکن چهارم و قضایی اصلی سازمان همکاری اسلامی می‌باشد که بر اساس مبانی اسلام و منابع و احکام شرعی بنا شده است و به طور مستقل و مطابق مقررات منشور سازمان همکاری اسلامی و اساسنامه دیوان فعالیت می‌کند (ماده ۱ اساسنامه دادگاه عدل اسلامی) و فقط کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی حق طرح دعوی در دیوان را دارند (بند الف ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه عدل اسلامی). این مورد که تنها کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی

¹ The university of Minnesota Human Rights Center, Human Rights Library (2018). "Child Rights era in Islam.

را محق به طرح دعوی می‌داند بر خلاف مثلاً آنچه در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (اصل ۱ الی ۵۰ منشور حقوق بنیادین شهروندان اتحادیه اروپا از بخش دوم قانون اساسی اروپا) یا دیوان عدالت و حقوق بشر آفریقا (ماده ۴۵ کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم) که افراد هم حق طرح دعوی دارند رخ می‌دهد، خلائی می‌باشد که به عنوان یک محدودیت علاوه بر افراد عام و معمول یک جامعه مسلمان، اقلیت‌های قومی، مذهبی و فرقه ایی که توسط دولتهای خویش مورد اضطراب قرار می‌گیرند را نیز از حق دسترسی به عدالت محروم می‌سازد و این علاوه بر جنبه نظارتی است که دادگاه می‌تواند بر در صورت نقض تعهدات در زمینه تحقق حقوق زنان و کودکان و در کل حقوق انسانی و بنیادین افراد داشته باشد و برخی اختلافات ایجاد شده در نتیجه نقض حقوق طرفین را بطور مسالمت آمیز حل و فصل نماید.

مآخذ

کتاب فارسی

۱. بیگ زاده، ابراهیم. (۱۴۰۰)، "حقوق سازمان‌های بین‌المللی"، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم.
۲. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن. (۱۹۹۵)، "القرآن و قضایا الانسان"، قاهره، نشریه دارالمعارف.
۳. ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۷۶)، "سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی"، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
۴. ذاکریان، مهدی. (۱۳۹۳)، "مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی"، نشر میزان، چاپ چهارم، تهران.
۵. مظفری، محمدحسین. (۱۳۸۹)، "منشور حقوق بشر اسلامی، چالش‌ها و راهکارها، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق. صادق.

مقالات

۱. بزرگمهری، مجید. (۱۳۹۵)، "علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۵.
۲. جلالی، محمود. (۱۳۸۲) مترجم، «دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی، گامی به سوی یک نظام حقوقی بین‌المللی اسلامی»، نوشته مایکل لومباردینی، فصلنامه علمی حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۹، زمستان ۸۲.
۳. جلالی، محمود. (۱۳۹۸)، «نقش دادگاه بین‌المللی اسلامی در حمایت از حقوق شهروندی اسلامی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، دوره ۱۳.
۴. غفوری، محمد. (۱۳۸۸)، "عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل نوین"، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

۵. فقیه‌حیبی، علی. (۱۳۹۶)، "حقوق کودک در اسلام و خشونت‌های سیاسی جهان اسلام"، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶.
۶. صالحی، سیدمهدی. (۱۳۹۱)، "جایگاه حقوق بشر در اسلام"، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آئینه علوم روز.
۷. صفاری‌نیا، محیا. (۱۳۹۸)، "رویکرد سازمان همکاری اسلامی در زمینه ارتقای حقوق زنان"، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ششم، شماره ۲.
۸. ضیایی فر، محمدحسن. (۱۳۹۴)، "نگاهی به تحرک کشورهای اسلامی در زمینه حقوق بشر"، خبرگزاری جمهوری اسلامی. ۱۴ مرداد ۱۳۹۴.
۹. مظفری، محمدحسین (۱۴۰۰)، "اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی، از توازن کارکردی تا کارکرد تکمیلی"، دو فصلنامه حقوق بشر، سال شانزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۲۲، مقاله مروری، صص ۱-۲.
۱۰. منشی پوری، محمود؛ کافمن، کلر. (۲۰۱۵)، "سازمان همکاری اسلامی، حقوق کودکان و اسلام"، موسسه حقوق بشر دانمارک، انستیتو ملی حقوق بشر دانمارک.
۱۱. موسوی اصل، سیدحسین. (۱۳۹۹)، "رویکرد سازمان همکاری اسلامی؛ از روی گردانی تا توجه به حقوق بشر"، نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، سال یازدهم، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۹۹، صص ۲۴۷-۲۷۱.
۱۲. موسوی اصل، سیدحسین. (۱۳۹۹)، "راستی آزمایی گرایش سازمان همکاری اسلامی به رویکردی درون‌گرا در زمینه حقوق بشر"، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۹۹-۳۲۶.

مقالات لاتین:

1. Adam, Ahmad. (2014), "Understanding the Role of the Organization of Islamic Cooperation in Human Rights", Asian Forum for Human Rights and Development(Forum-Asia).
2. Bozorgmehri, Majid. (2017), "The Human Rights in OIC, A Gradually Movement but in Progress", journal of Politics and Law, Canadian Center of science and Education, vol.10, No.2.
3. Gunn, Jeremy and Lagresa, Alvaro. (2016), "The Organization of Islamic Cooperation: Universal Human Rights, Islamic Values, or Raisons D etat?" , Human Rights & International Legal Discourse, Vo.10, No.2.
4. Hausler, Katharina. (2016), "Human Right, Democracy and Rule of Law: Different Organizations, Different of Conceptions?", Fostering Human Rights among European Policies, Utrecht University.

5. Mayer, Ann, Elizabeth. (2015), “he OIC’s Human Rights Policies in the UN, a Poble of Coherence”, The Danish Institute for Human Rights, Denmark’s National Rights Institution, No.4.
6. Mosaffa, Nasrin. (2011), “Does the Covenant on the Rights of the Child in Islam Provide Adequate Protection for Children Affected by Armed Conflicts?” Muslim World Journal of Human Rights.Vol.8, Issue 1.
7. Petersen, Marie Juul. (2012), “Islamic or Universal Human Rights? The OIC’s Independent Permanent Human Rights Commission”, Danish Institute for International Studies.No.3.